

سبکی به نام دیالمه

«فهم زمانه؛ زندگی و روزگار شهید دکتر عبدالحمید دیالمه»، آخرین اثر یعقوب توکلی است که در پاسداشت واقعه هفتم تیر و شهادت شهید دیالمه و شهدای حزب جمهوری، به همت «شرکت چاپ و نشر بین الملل» روانه بازار نشر شد.

یعقوب توکلی که پیش از این مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی در حوزه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و پژوهش پیرامون شخصیت‌های انقلاب به‌رشته‌تحریر درآورده، این بار به بررسی زندگی و زمانه شهید عبدالحمید دیالمه پرداخته است.

کتاب حاضر در دل بررسی زندگی پرفرازونشیب شهید دیالمه، وجوه خاص و کمتر اشاره‌شده شخصیت این شهید را به تصویر کشیده است. دیالمه را باید یک سبک دانست؛ سبکی که امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند تکرار آن هستیم. جوانان انقلابی به آن نیازمندند تا دچار افراط و تفریط‌ها نشوند.

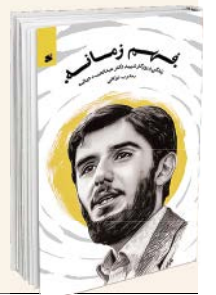
یعقوب توکلی، پژوهشگر و نویسنده این کتاب، ساعت‌های زیادی را به گفت‌وگو با خانواده، دوستان نزدیک و شاگردان شهید دیالمه گذرانده است. سپس به روایت شنیده‌هایش از زندگی جوانی پرداخته که باید او را یکی از سرمایه‌های انقلاب اسلامی دانست. کتاب حاضر، برشی از حیات شهید و متمرکز بر بخشی از مبارزات او پیش از انقلاب اسلامی است. ناگفته‌هایی که مخاطب را به لایه‌های زیرین فضای دانشگاهی قبل از انقلاب، در یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران، یعنی مشهد می‌برد.

کتاب فهم زمانه مروری بر ابعاد مختلف شخصیتی شهید دیالمه است. نویسنده در هر برهه زمانی با بیان خاطرات و حوادث زندگی شهید، سعی در ایجاد توصیفی از خصایص اندیشه او دارد. اولین قسمت‌های کتاب به بیان شرایط خانوادگی و دوران کودکی و نوجوانی او می‌پردازد. سپس به دوران دبیرستان، کنکور و ورود به دانشگاه مشهد و دوران دانشجویی اشاره دارد. در ادامه به فعالیت‌های انقلابی او می‌پردازد و علاوه بر بیان حوادث و فعالیت‌های شهید در دوران انقلاب، مثنی او در برابر مسائل مختلف را به تصویر می‌کشد.

فهم زمانه، در دل خود تصویری از روزهای پرتلاطم پیش و پس از انقلاب و همچنین رفتار سازمان مجاهدین خلق را شرح می‌دهد. نویسنده در تلاش است تا وجوه مختلف شهید دیالمه را به عنوان یک الگو برای زمانه ما روشن و ملموس سازد.

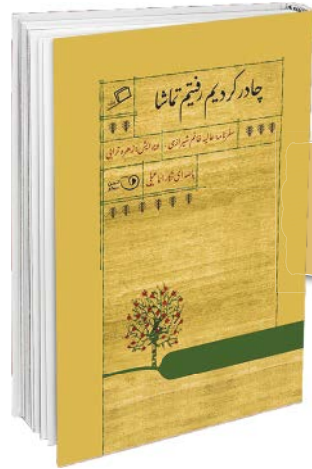
در آخر باید گفت، سخنرانی‌ها و خاطرات شاگردان تعلیم‌یافته او، فراتر از مجموعه حاضر است اما کتاب حاضر با احصای از میان آن سطور،

تلاش کرده، جرقه‌ای برای پژوهشگران و علاقه‌مندان باشد تا با واکاوی ابعاد جامع شخصیت این شهید، زمینه‌های بیشتر آشنایی با این الگوی توانا را برای نسل حاضر و آیندگان فراهم آورند.



یادداشتی بر کتاب «چادر کردیم رفتیم تماشا» از نشر اطراف

حج قجری



رفت و آمدهای عالیه خانم در تهران به خانه بزرگان و حتی دربار و اندرونی ناصرالدین شاه است. عالیه خانم شوخ طبعی خاص خودش را دارد که در بخش‌هایی از سفرنامه‌اش بروز پیدا کرده و به‌طور کل اطلاعات بسیار خوبی از نحوه سفر در آن زمان و اوضاع ایران، عراق و عربستان و همچنین اندرونی دربار شاه در این نوشته آمده است. عالیه خانم در سال ۱۲۷۳ بعد از دو سال به شهرش کرمان برمی‌گردد.

او در جایی نوشته است: «امروز که روز بیست و دوم است احوال سرکار خانم بسیار تا بسیار بد است. خداوند خودش محافظت فرماید. و... اگر فهمیدم کجا آمدم و کجا می‌روم یا فهمیدم چطور طواف کردم. از دو حال بیرون نیست یا این‌که اعمال من به‌هیچ وجه مقبول نیست یا این‌که خیلی خیلی مقبول افتاده.»

در مورد دربار نیز نوشته: «عصرها می‌رفتیم حیاط شاه، هشتاد زن شاه همه بزرگ می‌کنند، زرد، سرخ، سبز، همه‌رنگ... شاه خودش جلو می‌افتد، زن‌ها دنبالش. دور حیاط می‌گردد. با تعجیل مثل این‌که کسی دنبالش کرده باشد. گاهی با غلام بچه‌ها گوی بازی می‌کند. گاهی با زن‌ها شوخی می‌کند.»

علاوه بر ذکر زمان‌ها و توصیف مکان‌ها و راه و اتفاقات مختلف، وصف افراد و روابط اجتماعی بین مردم از ویژگی‌های جالب توجه این سفرنامه است که در بسیاری از این روابط انگار با نوشته‌ای از امروز سر و کار داریم نه ۱۳۰ سال قبل! بیشتر گفت‌وگوهای زنانه، موضوعات مورد بحث، پشت سر بقیه حرف‌زدن‌ها و نکات زندگی روزمره که عالیه خانم به خوبی از این جزئیات در متن گفته، برای ما آشنا و قابل همذات‌پنداری است. مثلا در جایی این‌طور بیان کرده است: «باز با حاجی خانم اصفهانی تماشا می‌کنیم، می‌خندیم، غیبت می‌کنیم. خدایبخشد.»

ابتدای کتاب نقشه کلی مسیر رفت و برگشت ایشان کشیده شده است. سختی‌های راه و انواع و اقسام وسایل رفت و آمد و برخورد اذیت‌کننده برخی مردم شهرهای مختلف به‌خصوص در جده و افرادی که به هر نحوی از اینها طلب پول می‌کردند، راهن‌ها، بیماری‌ها و موارد دشوار دیگر، تفاوت مهم بین زمان ما و آنان است که با خواندن این سفرنامه‌ها نعمت سفر آسان در روزگار خودمان را بهتر درک می‌کنیم. این روزها که حاجیان بسیاری در مکه مشغول انجام اعمال زیبای حج هستند، مانیز همراه با عالیه خانم شیرازی می‌توانیم گوشه‌ای از این سنت زیبای الهی را تجربه کنیم.



علاوه بر ذکر

زمان‌ها و توصیف

مکان‌ها و راه و

اتفاقات مختلف

وصف افراد و

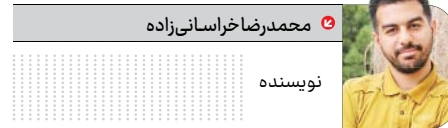
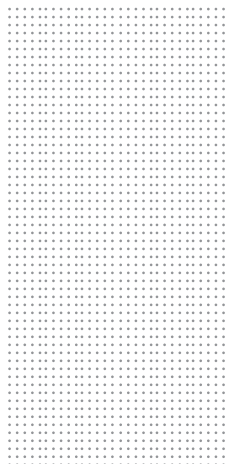
روابط اجتماعی

بین مردم

از ویژگی‌های

جالب توجه این

سفرنامه است



محمدرضا خراسانی‌زاده

نویسنده

خانمی را تصور کنید که در سال ۱۲۷۱ شمسی در عهدناصرالدین شاه قاجار، در کرمان زندگی می‌کند. احتمالا تصویری که از این خانم در اذهان ساخته می‌شود، زنی است دارای حداقل اطلاعات و دانش، احتمالا بی‌سواد، دارای تعداد زیادی بچه و همسری که بیشتر به فکر کار و درآوردن لقمه نانی برای خانواده‌اش است.

اما به‌طور جالبی در این فضایی که از آن دوران سراغ داریم، فردی به نام عالیه خانم شیرازی زندگی می‌کرده که تصمیم می‌گیرد به حج برود. شاید تا اینجا کار باز چندان عجیب نباشد؛ بالاخره سفر حج با همه سختی‌هایش در همه دوران‌ها برپا بوده و مردم از سراسر کشورهای اسلامی به‌خصوص ایران خودشان را به مکه برای انجام اعمال حج واجب می‌رسانند.

ماجرای اینجا جالب می‌شود، این عالیه خانم شیرازی اهل کرمان، حین سفر حج و زیارت عتباتی که پس از حشش می‌رود، سفرنامه‌ای نوشته که خوشبختانه به دست ما نیز رسیده است! یعنی عالیه خانم هم سواد خواندن و نوشتن داشته، هم حین سفر با خود اسباب نوشتن برده و به ثبت وقایع در همان زمان پرداخته و هم این سفر عجیب را به تنهایی و بدون همسر یا پدر و برادری رفته است!

از اصل و نسب دقیق عالیه خانم شیرازی اطلاعاتی در دسترس نیست اما با توجه به مطالبی که نوشته و اتفاقاتی که برای او افتاده، مشخص است به نحوی با دربار قاجار در ارتباط بوده و شاید همین مسأله موجب شده تا در آن اوضاع ایران، او هم با سواد باشد و هم بتواند به این سفر برود. سفری که شرحش به قلم خود او و با ویرایش خانم زهره ترابی با عنوان «چادر کردیم رفتیم تماشا» توسط نشر اطراف به چاپ رسیده است.

این سفرنامه را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد؛ در بخش اول، روایت عالیه خانم را از کرمان به بندرعباس، سپس عزیمت به بمبئی با کشتی و از آنجا به جده و در ادامه رسیدن به مکه و انجام اعمال حج می‌خوانیم. همچنین در ادامه پس از اتمام حج، همراه با افرادی دیگر به زیارت مدینه و پس از آن به صورت زمینی با کاروان‌های اسب و شتر به عراق و زیارت عتبات عالیات نجف، کربلا، سامرا و کاظمین می‌رود.

در طول این مسیر و انجام اعمال حج و سپس رفتن به عراق و بازگشت به ایران، کنار سختی‌های راه و سفر، یکی از همراهانش فوت می‌کند، پولش تمام شده و به‌سختی خودش را از بغداد به کرمانشاه و بعد تهران می‌رساند. نیمه دوم کتاب، شرح

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پراید نسیم
سفری به رنگ سبز یشمی متالیک مدل ۱۳۷۹
شماره انتظامی ۶۴۵ ۶۴۵-ایران ۱۳ شماره موتور
00173396 شماره شاسی S1472279101327
بنام مجبویه صابری علی آبادی مقفود گردیده و
فاقد اعتبار است.

کلید مدارک شامل سند کمپانی، برگ سبز و کارت
خودرو سواری رانا پلاس TU5 به رنگ سفید
مدل ۱۴۰۰ شماره انتظامی ۱۸۵ ط ۲۳-ایران ۱۳
شماره موتور 172B0066149 شماره شاسی
NAAU01FE5MT285527 به نام شهیدخت
جواد سبذانی مقفود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی موتورسیکلت کثیر CC ۱۲۵ مدل ۱۳۹۲
به رنگ مشکی شماره انتظامی ایران ۶۲۴-۷۱۸۵۲
شماره موتور 0124NB1141148 شماره تنه
NB1***125A9224592 به مالکیت مجید حاجی عابد
دستگردی مقفود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلید مدارک شامل سند کمپانی، برگ سبز و کلید اوراق
اسناد تاییدیه نقل و انتقال خودرو سواری بی‌ام و ۵۲۰
مدل ۲۰۱۴ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۱۳
م ۶۴۲ شماره موتور N20B20BB5010553 شماره
شاسی WBA5A310XKD004752 به مالکیت
محمدرضا کیان ارثی مقفود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰
به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۱ شماره انتظامی
۲۷۵ س ۲۵-ایران ۸۱ شماره موتور 11518114223
شماره شاسی 0081914092 به نام
علی صالحی اصل مقفود گردیده و فاقد اعتبار است.

مدرك فارغ التحصیلی راضیه كهین كودیانی فرزند
مسیح‌اله به شماره شناسنامه ۲۲۸۱۸۹۴۹۶۷ صادره
از شیراز رشته مهندسی اپتیک و لیزر صادره از واحد
دانشگاهی مرودشت به شماره ۱۹۸ مفقود گردیده و فاقد
اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به
دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت به‌نشانی استان فارس
شهرستان مرودشت، کیلومتر ۲ جاده تخت جمشید، دانشگاه
آزاد اسلامی واحد مرودشت ارسال نمایند.

سند کمپانی، برگ سبز خودرو سواری سمند LX
مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۱۳
۵۲۳ ب ۹۴ شماره موتور 12488312284 شماره
شاسی NAAC51CA3AF011161 به مالکیت
زهر اکریمی کلمانی مقفود گردیده و فاقد اعتبار است.

شماره تلفن‌های
پنیرش
۴۹۱۰۵۰۰۰

امور آگهی‌های روزنامه جام جم